

دکتر سید کاظم طباطبایی

سر دبیر

E . Mail: [tabatabaei@ferdowsi.um.ac.ir](mailto:tabatabaei@ferdowsi.um.ac.ir)

در آغاز قرار بود این سر مقاله را یکی از دوستان و همکاران که در این باب حرف‌هایی گفتنی و سخنانی شنیدنی دارد بنویسد. ولی چون وی عذر آورد که فعلاً وقت و حال و حوصله این کار را ندارد، نگارنده این سطور از سر ناچاری دست به کار نوشتن شد.

قصه، چهار - پنج سالی است که اغلب مجله‌های علمی - پژوهشی از انتشار ترجمه‌ها تن می‌زنند، به طوری که نپذیرفتن ترجمه در این مجله‌ها به مثابه یک «قانون نانوشته» درآمده است. مدیران این مجلات در مقام عذرخواهی و استنکاف از پذیرش و چاپ و انتشار ترجمه‌ها یکبار استدلال می‌کنند که مخاطب مجله‌های علمی - پژوهشی استادان و متخصصان هستند و چون استادان علی القاعده زبان خارجی متناسب با تخصص خود را می‌دانند، یا به تعبیر بهتر و درست‌تر باید بدانند، پس دستاورد پژوهشی متخصصان را به زبان اصلی مطالعه می‌کنند. از همین رو، محل نشر ترجمه‌ها مجله‌های

علمی - ترویجی است که مخاطب آنها دانشجویان هستند. بار دیگر می‌گویند: مجله‌های علمی - پژوهشی محلّ نشر پژوهشهای استادان و متخصصان یا به عبارت دقیق‌تر محلّ نشر تولیدات علمی تازه است و ترجمه البته از این ویژگی بی‌بهره است. در این نوشتار نگارنده بر آن است تا درباره‌ی درستی و نادرستی این رویه‌ی باب سخن را بگشاید و در حدّ توان و آگاهی بکوشد عیار این استدلالها را بسنجد و نشان دهد که این نظر تا چه حد و در چه حوزه‌هایی از دانش درست و تا چه حد و در چه حوزه‌هایی از علوم نادرست است. درباره‌ی نادرستی دلیل اول می‌توان گفت:

اولاً، هیچ‌جا گفته و نوشته نشده است که مخاطب مجله‌های علمی - پژوهشی استادان و مخاطب مجله‌های علمی - ترویجی دانشجویان هستند. بلکه علاقه‌مندان به مسائل و موضوعات علمی غالباً مطلوب خود را هر وقت و هر جا بیابند تهیه و مطالعه می‌کنند؛ خواه در مجله علمی - پژوهشی باشد، خواه در مجله علمی - ترویجی و خواه در مجله‌هایی که نامشان در زمره هیچ یک از آن دو ثبت نشده باشد.

ثانیاً، زبان‌دانی استادان و متخصصان غالباً منحصر به دانستن یک یا دو زبان، آن هم زبانهای مشهور چون انگلیسی و فرانسوی است؛ در حالی که زبانهای مختلف جهان را تا ۵۰۰۰ برآورد کرده‌اند و تاکنون هیچ کس شاید نتوانسته باشد یک صدم این مقدار را به طور نسبی بیاموزد (نجفی، مبانی زبان‌شناسی، ص ۹). بدیهی است که مثلاً یک انگلیسی‌دان از خواندن ترجمه تحقیقات و تألیفات که به زبانهای دیگر نگاشته شده است بی‌نیاز نخواهد بود.

اما درباره‌ی دلیل دوم دست اندرکاران این مجلات، گفتنی است این قبیل داوریه‌ها و هکذا بندهایی که در آیین‌نامه ارتقا درباره‌ی ارزش‌گذاری ترجمه گنجانیده‌اند، بیشتر برخاسته از تفکر و آراء استادان و متخصصان علوم دقیقه و تجربی (Science) است. در آن علوم اغلب اصطلاحات تعریفی محدود و مشخص دارد و مهمتر از آن زبانی که در این علوم به کار می‌رود، فقط وسیله تفهیم و تفهم و محمل انتقال واقعیت عینی و

بیرونی است و به قول زبان شناسان در این علوم زبان از نوع «کلام وابسته به واقعیت» است؛ ولی در علوم انسانی به ویژه در عرصه عرفان، فلسفه، شعر، ادبیات و هنر وضع به کلی متفاوت است. در این عرصه‌ها «زبان برای رفع نیازهای روزمره یا انتقال خبر یا توضیح مسائل علمی و فنی به کار نمی‌رود و بنابراین وابسته به واقعیت نیست». بلکه برای بیان مفاهیم انتزاعی به کار می‌رود و در نتیجه «کلام وابسته به خود یا کلام خود ایستا» است (نجفی، *مسئله امانت در ترجمه*، ص ۸). در نوشته‌هایی از این دست، به قول ابوالحسن نجفی نمی‌توان فی‌المثل شعر حافظ را که می‌گوید: «دوش دیدم که ملایک در میخانه زدند / گل آدم بسرشتند و به پیمان زدن» به صورت زیر ترجمه کرد که: «دیشب در خواب دیدم که فرشتگان از آسمان پایین آمدند و در میخانه را زدند و الخ...» (پیشین، ص ۹). به قول یکی دیگر از زبان شناسان، به رغم آنچه علوم دقیقه و تجربی اقتضا دارد، «در یک اثر شاعرانه، همه چیز گفته نمی‌شود؛ بلکه فقط آن اندازه گفته می‌شود که خواننده یا شنونده بتواند خط ارتباطی با خالق اثر برقرار کند. ولی در عین حال آنقدر هم آزادی داشته باشد که بتواند خود تا حدی آفریننده باشد و در تعبیر نهایی سهمی داشته باشد» (باطنی، ص ۱۰۸). از همین روست که در علوم دقیقه و تجربی کمتر اتفاق می‌افتد که اثری را دو یا چند بار ترجمه کنند. اگر هم چنین حادثه‌ای رخ دهد، غالباً سهوی و ناشی از بی‌اطلاعی مترجمی از کار مترجم دیگر است. ولی در عرصه متون دینی، عرفان، فلسفه، شعر، رمان و ادبیات فراوان به چشم می‌خورد که اثری آگاهانه دو یا سه و بلکه بارها به زبانی ترجمه شده است؛ نمونه بارزش قرآن کریم است که ده‌ها ترجمه فارسی و چند ترجمه انگلیسی و... دارد و حتماً در آینده باز هم به این زبانها ترجمه خواهد شد. نمونه دیگرش رباعیات خیام است که بیش از بیست ترجمه عربی اعم از فصیح و عامیانه دارد (بگار، ص ۱۱۱). مثال دیگری که الآن در خاطر نگارنده است، رمان *بوف کور* اثر صادق هدایت است. این رمان که «یکی از مهمترین آثار» است که در کارنامه ادبیات داستانی معاصر ایران به ثبت رسیده است»

(امامی، ص ۳۳)، دست کم دو بار به انگلیسی ترجمه شده است: یک بار به قلم آقای دی. پی. کاستلو<sup>۱</sup> با مشخصات *The Blind Owl*, London, Johnathan Calder, 1958 و بار دیگر به خامه دکتر ایرج بشیری استاد ایرانی دانشگاه مینه سوتا در ضمن کتابی با عنوان *Hedayat's Ivory Tower* (پیشین، ص ۳۲ و ۳۸). البته در این باره می‌توان دهها بل صدها نمونه عرضه داشت.

### Archive of SID

سبب این ترجمه‌های متعدّد از یک اثر، به قول یکی از مترجمان معاصر که خود گاه به ترجمه آثاری پرداخته که در گذشته هم به فارسی ترجمه شده است، این است که «دو نفر هر قدر هم که بر زبان مسلط باشند، از یک متن واحد یک چیز نمی‌فهمند؛ همان طور که دو نوازنده، یک آهنگ واحد را یک جور نمی‌نوازند» (حییبی، ص ۲۷). بنا بر آنچه گفته آمد، ترجمه در این عرصه‌ها هنری بس گرانقدر، بلکه «بحری است که هیچش کناره نیست». پس ترجمه شعر «یوز خدا» شاهکار فرانسیس تامپسن<sup>۲</sup> (۱۸۵۹ - ۱۹۰۷م) را که به قلم استاد مجتبی مینوی به فارسی درآمده است، یا سرگذشت حاجی بابای اصفهانی اثر جیمز موریه<sup>۳</sup> که به خامه میرزا حبیب اصفهانی به فارسی ترجمه شده یا کلیله و دمنه را که به دست ابن مقفع از پهلوی به عربی و از عربی به بسیاری از زبانهای مرده و زنده دنیا ترجمه شده است (حنّا الفاخوری، ص ۳۳۹)، نمی‌توان از نظر ارزش علمی و توان فرهنگ‌سازی با ترجمه فلان کتاب در مکانیک یا ریاضی که غالباً آکنده از فرمول و نمودار است برابر دانست؛ بلکه بی‌تردید این ترجمه‌ها از هزاران تألیف نیز برترند.

#### 1. D. P. Costello.

۲. فرانسیس تامپسن Francis J. Thompson شاعر انگلیسی در این شعر به بیانی لطیف فرار خود را از دین و گریز از خدا و احساس خود را که لطف یزدان دائم او را پی می‌کند تا عاقبت چاره‌ای جز تسلیم نمی‌بیند، شرح می‌دهد. عنوان این شعر به انگلیسی عبارت است از: «The Hound of Heaven» (دریاره آن نک: مینوی، ص ۳۶۴ به بعد).

#### 3. James Morier.

نکته دیگری که نباید از نظر دور داشت این است که ترجمه در این عرصه‌ها در مواردی خود پژوهش است؛ زیرا از یک سو فهم مقصود نویسنده مستلزم جست و جوی بسیار است و از سوی دیگر در مقام بیان مطلب به فارسی باید دست به تبعی گسترده زد. در مورد ترجمه اصطلاحات و ضرب المثلهای وضع چنین است؛ در نتیجه در مواردی ترجمه از تألیف بسا دشوارتر باشد.

### *Archive of SID*

سدیگر اینکه در مواردی می‌توان گفت ترجمه برخی از مقالات و نوشته‌ها از تألیف به مراتب اصیل‌تر است. به فرض اگر کسی بخواهد دربارهٔ دین بودا دست به پژوهش بزند، تحقیق اصیل و بنیادین در این زمینه مستلزم دانستن زبان «پالی» است. بدیهی است در ایران کسی معمولاً نقد عمر را صرف یادگیری چنین زبانی نمی‌کند. پس به ناچار چنین کسی تحقیق خود را بر اساس ترجمه‌ها و منابع دست دوم یا دست چندم سامان خواهد داد. در حالت مفروض، ترجمه اثر کسی که زبان پالی را فراگرفته و اثر خود را بر پایهٔ منابع دست اول استوار ساخته است، ارجح به نظر می‌رسد. یا فرض کنید پژوهشگری بخواهد دربارهٔ آراء و اندیشه‌های فیلسوف آلمانی مارتین هایدگر<sup>۱</sup> اثری عرضه کند. اگر در این باره اثری از یکی از هایدگر شناسان که خود پروردهٔ مکتب هایدگر است در دست باشد، طبیعی است که ترجمهٔ چنین اثری از تألیف افضل باشد. سخن آخر آنکه بسیار اتفاق می‌افتد که مقاله‌هایی در مجلات یا مجموعه مقالات انتشار می‌یابند که دسترسی به آنها برای همگان میسر نیست و بسا که محققان و پژوهندگان در دیگر کشورها از انتشار آن مقاله‌ها نیز بی‌خبر بمانند. در چنین موردی، اگر مترجمی مقاله یا مقاله‌هایی را به فارسی یا از فارسی به یک زبان خارجی برگرداند و از این راه دستاورد پژوهشی آن را در اختیار محققان بگذارد، کاری همسنگ بل

1. Martin, Heidegger.

ارزشمندتر از مقاله‌هایی که گاه تکراری و مستند به منابع دست دوم و سوم است انجام داده است.

نتیجه آنکه ممنوعیت انتشار ترجمه را در مجله‌های علمی - پژوهشی نمی‌توان یک قاعده عام و یک قانون فراگیر و همیشگی تلقی کرد. بلکه به نظر نگارنده اگر اثری بدیع با ترجمه‌ای مطلوب یعنی دقیق و شیوا در اختیار داشته باشیم، شایستگی دارد که در چنین مجله‌هایی نشر یابد.

### کتاب‌شناسی

- امامی، کریم؛ «دریارة ترجمه انگلیسی رمان بوف کور»، مترجم، سال یازدهم، شماره سی و ششم، بهار و تابستان ۱۳۸۱، صص ۴۳ - ۴۰.
- باطنی، محمدرضا؛ «اهمیت استنباط در درک زبان»، *پیرامون زبان و زبان‌شناسی*، چاپ اول، فرهنگ معاصر، تهران ۱۳۷۱ ش.
- بکار، یوسف حسین؛ «پاره‌ای از دشواریهای ترجمه از عربی به فارسی و برعکس»، ترجمه سید کاظم طباطبایی، *نشریه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد*، شماره ۳۵ و ۳۶، بهار و تابستان ۱۳۷۶، صص ۱۰۹ - ۱۲۸.
- حبیبی، سروش؛ «گفتگو»، مترجم، سال یازدهم، شماره سی و ششم، بهار و تابستان ۱۳۸۱، صص ۲۲ - ۳۲.
- الفاخوری، حنا؛ *تاریخ ادبیات زبان عربی*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، انتشارات توس، تهران، بی‌تا.
- مینوی، مجتبی؛ *پانزده گفتار*، دانشگاه تهران، ۱۳۳۳ ش.
- نجفی، ابوالحسن؛ *مبانی زبان‌شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی*، چاپ ششم، انتشارات نیلوفر، تهران ۱۳۷۸ ش.
- \_\_\_\_\_؛ «مسئله امانت در ترجمه»، *دریارة ترجمه*، زیر نظر نصرالله پورجوادی، چاپ دوم، مرکز نشر دانشگاهی، تهران ۱۳۶۶ ش، صص ۳ - ۱۴.